

## مقدمه

قانون اساسی بخش تعاونی را به عنوان یکی از بخش‌های اصلی اقتصاد کشور برمی‌شمارد و این بخش سهم قابل توجهی را در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارد. این سیاست‌ها - که در قوانین برنامه‌ای و قوانین عادی نیز بازتاب یافته - مقرر می‌کند که سهم بخش تعاونی از اقتصاد کشور باید تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۲۵ درصد ارتقا یابد؛ اما با پایان یافتن بازه زمانی برنامه پنجم و ششم، هنوز فاصله بسیاری تا تحقق این هدف وجود دارد. این موضوع بهانه‌ای شد تا گفت‌وگویی با دکتر «رضا وفایی یگانه»، مدیراقتصادی و سرمایه‌گذاری اتاق تعاون ایران به آسیب‌شناسی حقوقی این بخش مهم از اقتصاد کشور بپردازیم:

**پژوهش‌سکده تحقیقات راهبردی:**  
یکی از بخش‌های بسیار مهم و به تعبیری شکست‌خورده‌ترین بحث‌های سیاست‌های کلی اصل ۴۴، سیاست‌های کلی بخش تعاونی است. برای آسیب‌شناسی اجرای این سیاست‌ها از مفهوم خود تعاونی شروع کنیم و برداشت و استنباطی که کشورهای دیگر از مفهوم تعاونی دارند و ما از مفهوم تعاونی داریم. اتفاقاً از جای خوبی شروع کردید، چون یکی از آسیب‌ها همین موضوع «درک مفهوم تعاونی» است. واقعیت این است که تعاونی برای ما یک مؤلفه وارداتی است، یعنی ما از کشورهای دیگر عاریه گرفتیم، تجربیاتی داشتند، به خصوص مرحوم شهید بهشتی نسبت به این موضوع اهتمام ویژه‌ای داشت. البته قبل از آن هم بود، اما ایشان بیشتر نسبت به این مسئله تأکید کردند و یکی از بخش‌های اصلی در قانون اساسی کشور ما همین موضوع بخش تعاون است.

## مفهوم تعاونی

واقعیت این است که در عمل با آنچه حتی از طرف تعاون‌گرها اتفاق افتاده، از مفهوم تعاونی فاصله گرفته‌ایم. تعاونی یک ساختار حقوقی در اقتصاد کشورهای مختلف دنیا است که هدفش ارائه خدمت به اعضا با کمترین قیمت است. شما در بخش‌های خصوصی می‌بینید شرکت سهامی که ایجاد می‌شود، هدفش حداکثر کردن سود برای اعضاست؛ در شرکت خصوصی هم هدف

رساندن حداکثر سود به اعضاست. شرکتی درست می‌کند این شرکت می‌آید فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد و افراد براساس سرمایه‌ای که گذاشته‌اند منتفع می‌شوند؛ اما در بخش تعاون این طور نیست؛ بخش تعاون می‌گوید اعضای کنار هم می‌نشینند، در آن شرکت اتفاقاً اصالت را به انسان‌ها می‌دهند. به همین دلیل می‌گویند در شرکت‌های تعاونی محور برای آن سرمایه‌های انسانی است و تعاونی فقط برای ارائه خدمت به اعضا تشکیل می‌شود.

چند انحراف در این زمینه عرض کنم، یکی از انحراف‌ها بحث تعاونی‌های اعتباری است که برای کشور معضلاتی ایجاد کرده‌اند. واقعیت این است که این‌ها تعاونی نبوده‌اند، چون تعاونی فقط باید به اعضای خودش با کمترین قیمت چه سپرده‌پذیری و چه تسهیلات بدهد.

## دریافت کالا و خدمات با هزینه کمتر

تعاونی‌ها اگر با این رویکرد بروند، می‌توانند به هدف اصلی خود نزدیک شوند؛ مثلاً تعاونی مصرف کارکنان مجمع تشخیص، یا هرجا، می‌گویند ما به کالاهای اساسی نیاز داریم و خودمان می‌خواهیم با هم تعاونی تشکیل دهیم که کالاها برای ما به کمترین قیمت برسد. آن نهاد و شرکتی که تأسیس شده برای این کار هدفش سود نیست، هدف این است که کالاها را به دست این اعضا با کمترین قیمت برساند؛ این هنر تعاونی است. یا مثلاً در نمونه‌هایی که موفق هم بوده در کشور ما، تعاونی تأمین نیاز است. تولیدکننده‌ها هستند، تولیدکننده‌های کوچک و متوسط، می‌گویند ما مواد اولیه نیاز داریم، منتها اگر به تنهایی برای تأمین این مواد برویم هم هزینه حمل‌ونقل بیشتر است، هم از طرفی نمی‌توانیم تخفیف بگیریم؛ اگر ۱۰-۲۰ درصد شرکت متوسط کنار هم بنشینیم، وقتی درخواست می‌دهیم و از کسی کالا می‌خریم، تخفیف گرفتن در حمل‌ونقل و خیلی موضوعات دیگر توجیه‌پذیر است. اصلاً هدف شرکتی که ایجاد می‌شود حداکثر سود نیست، می‌خواهد مواد اولیه را با کمترین قیمت برساند به دست واحدهای تولیدی. به همین خاطر در مورد ماهیت باید گفت تعاونی یک شرکت و یک ساختار حقوقی است که هدفش ارائه خدمت فقط به اعضا با کمترین قیمت است.

پژوهش‌سکده تحقیقات راهبردی: درباره ضرورت بهره‌گیری از الگوی تعاونی، گریزی داشتید به ماهیت تعاونی و بهره‌گیری از آن در سطح خرد، حالا در سطح کلان چه ضرورت‌هایی ایجاد می‌کند که ما به سمت تعاونی برویم، مثلاً در قانون اساسی در بیان جایگاه تعاونی شاهد هستیم بخش خصوصی که هم‌اکنون در اذهان اهمیت زیادی پیدا کرده، به عنوان بخش تکمیل‌کننده مطرح می‌شود؛ یعنی تکمیل‌کننده بخش دولتی و تعاونی است و طبعاً بعد از بحث سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و اینکه باید از بزرگ شدن بخش دولتی جلوگیری شود، تمرکز خاصی روی بخش تعاونی انجام شود. چه ضرورتی در سطح کلان وجود دارد؟ واقعیت این است که نظام مقدس جمهوری اسلامی برای برپایی حکومتی مبتنی بر دین مقدس اسلام آمده است و اعتقاد داریم که بخش تعاون، نزدیکی و روابط بیشتری با اقتصاد اسلامی دارد، یعنی در آن مسیری که ما داریم، این شرکت و این ساختار که براساس اصولی که ما هم تعیین نکرده‌ایم و اصول بین‌المللی است شکل گرفته است. در آن اصول بین‌المللی می‌گویند تعاونی باید (جزو اساسنامه‌اش است) ارزش‌های جامعه را مدنظر داشته باشد. ما در شرکت‌های خصوصی گفتیم که نظامات شرکت خصوصی براساس نفع شخصی شکل می‌گیرد، همان که «آدام اسمیت» می‌گفت «دست نامرئی» همان نفع شخصی است؛ اما تعاونی براساس اصولی اداره می‌شود. یکی از این اصول توجه به ارزش‌های جامعه است.

## در ساختار تعاونی عدالت اجتماعی خیلی مهم است

در شرکت و ساختار تعاونی عدالت اجتماعی خیلی مهم است و شما تفاوتی بین اعضا نمی‌بیند. می‌گویند من برای هویت انسان‌ها ارزش قائل هستم، هر کسی فارغ از هر اندازه سرمایه که دارد، من او را ارزشمند می‌دانم. هر نفری یک رأی می‌تواند داشته باشد. به همین خاطر اعتقاد داریم حرکت به سمت اقتصادی که بر عدالت اجتماعی ابنتا داشته باشد، مناسب است؛ جدا از اینکه در ساختار تعاونی اصلی به اسم «اصل تعاونی بین تعاونی‌ها» داریم. اگر این تعاونی بین تعاونی‌ها شکل بگیرد در حوزه‌های مختلفی